

چراغ سبز به امپریالیزم و سرکوب مخالفان سرمایه داری در ایران

پژمان رحیمی

هفدهم تیر هشتاد و هفت

(افشین شمس ، مغضوب جمهوری اسلامی و سلطنت طلبان !!)

دستی که نان می دزدد، نمی تواند آزادی ببخشد.

هفته ی گذشته دوست و رفیق ارجمند افشین شمس توسط ماموران امنیتی در محل کار خود دستگیر شد. خانه ی او مورد هجوم قرار گرفته و اموالش ضبط شدند. مالی که نداشت، همان کاغذ و قلم و نوشته هایش منظورم است، که به سختی هم جمع آوریشان کرده بود. او عاشقانه می نوشت و نوشتن برایش بمانند عشق بازی بود. اواز تئوری پردازی های خیالبافانه متنفر بود، افشین درست وسط معرکه بود و به همین علت حرف بسیاری از باندبازان، فرصت طلبان، متوهمان و نان به نرخ روزخورها را متوجه نمی شد!

به او اتهام براندازی زده اند، این را از زبان مادرشجاعش شنیدم که با همان طنزهمیشگی این معرکه را به سخره گرفت. بعضی ها براندازانسان و انسانیت هستند، افشین هم برانداز نابرابری، ظلم، ستم، گرسنگی و فقر است، عیبی دارد مگر؟! به این تعبیر همه ی ما براندازیم. کسی که دو هفته برای ثبت زندگی کارگران کوره پزخانه ها و کودکانشان دوشادوش آنان کار و زندگی کرده است آیا برانداز است یا آنان که چندین هزار کارگر را در هفت تپه بیکار کرده اند و به گرسنگی و آسیب های فراوان کشانده اند؟! آیا افشین که همه ی عمر خود را برای نابودی فقر و گرسنگی صرف کرده است و تا کنون هیچ لذت و منفعتی را برای خود نخواست برانداز است یا آنان که با بالا و پایین کردن قیمت کالاهای اساسی نان را از سفره ی مردم می دزدند و بی شماری را به فقر و بدبختی کشانده اند و پول های آنچنانی به جیب می زنند!! افشین شمس نوازنده، تصویرگر و کاریکاتوریست خوش ذوق و خلاق هم هست که همیشه در هنرش انواع تبعیض را نشانه رفته است. من حداقل شاهد برگزاری سه نمایشگاه از آثار او بودم و از نزدیک می دیدم که با چه شور و حرارتی با آثارش یگانه بود.

برای افشین زمانی طول نمی کشید تا یک مقاله بنویسد و یا یک طرح بکشد و یا سخنوری کند و در این میان کتابش هم همیشه در دستش بود و کیف دستی سفری اش هم کنار پایش.

در پی یک گفت و گوی دوستانه بود که ایده ی کشیدن کاریکاتورهایی از نمادهای مورداستفاده ی سلطنت طلبان و ناسیونالیست های افراطی برایش پرورده شد. کار انجام شد و پس از ارائه، مورد هجوم سلطنت طلبان، ناسیونالیست های افراطی و تعدادی که کلا از قضیه سردر نمی آوردند، قرار گرفت. پهلوی ها هم او را نفرین و لعنت کردند! ناسیونالیست ها هم او را عامل جمهوری اسلامی معرفی کردند و تهدید به ترورش کردند و حکم اعدامش را غیابی صادر کردند!!

حالا افشین شمس به جرم حمایت از کارگران و به اتهام نخ نما شده ی براندازی توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی

دستگیر شده است. مگر افشین شمس چه می گوید و چه می کند که مورد غضب و نفرت سلطنت طلبان و حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفته است؟ او از حاکمیت سرمایه ، از نابرابری و تبعیض انتقاد می کند و خواهد کرد. آنان که منافعشان در استثمار کارگران است مطمئناً از افشین شمس و امثال او دلخور هستند و به این دلخوری هم راضی نیستند و تصمیم به سرکوب و حذف فعالان کارگری و مخالفان و منتقدان سرمایه داری گرفته اند. این فشارها را نمی توان با مدل تقابل سنت و مدرنیته توضیح داد زیرا این سوال پیش می آید که چرا دو جناح متضاد علیه یک نفر در یک جبهه قرار گرفته اند؟! جواب به این سوال (و حتا نقد آن) روشن کننده ی بسیاری از مسائل است. با دستگیری افشین شمس و صدها تن چون او نمی توان فقر را از بین برد و یا گرسنگی را فراموش کرد و بیکاری را نادیده گرفت. این معضلات و کمبودها حضور دارند و کارگران و اقشار ضعیف جامعه با تمام وجود آن ها را احساس می کنند. فقر و گرسنگی شایعه و محصول توطئه ی تعدادی انسان شریف و پاک نیست که قدرتمندان به آنان انگ برانداز می زنند.

درود بر کارگران مبارز و آگاه

درود بر پیکارگران راه آزادی و برابری

درود بر افشین شمس

پژمان رحیمی

سلام دمکرات

۱۳۸۷/۴/۱۷